

کودک بزرگتر بهتر از کوچکتر خواندن را می‌تواند بیاموزد. بر حسب تصادف، اگر کودک شش ساله‌ای به مدرسه می‌آمد که قادر بخواندن بود او را خیلی باهوش می‌پنداشتند.

در حقیقت این بررسیها نشان می‌داد که کودک کی که دارای میزان هوش بیشتری است، خواندن را سریعتر می‌آموزد. از این گذشته، پی برده شد که نتیجه‌گیری در مورد آموزش خواندن کودکان قبل از مدرسه، آنهم از بررسی وضع تحصیل اطفال شش ساله که به مدرسه می‌آیند روش صحیحی نبوده است.

چندین آزمایش برای آموزش کودکان قبل از شش سال در دو دهه‌ی اول این قرن به عمل آمد که نتایج آن خیلی امیدوارکننده بود. ولی بکار بستن این دست آوردها چندین دهه در زیر امواج تعلیمات عالیه که بر آموزشگاهها مسلط بود، پنهان گردید. بیشترین تحقیقات در مورد سن تحصیلی بدون توجه به محیطی که کودک در آن زندگی می‌کند و عامل بسیار مؤثری است، انجام گردید. تقریباً هیچ کودکی قبل از رسیدن به سن شش سالگی و رفتن به دبستان تحت تعلیم قرار نمی‌گرفت.

در این دوره آموزگارانی که بیشتر پای‌بند رشد احساسی و اجتماعی اطفال بودند بیش از دیگران مورد توجه قرار داشتند. تطبیق دادن یک کودک، با همسالان همکلاس خود، مهمتر از رشد فکری و تواناییهای ذاتی وی بود.

ولی در سالهای اخیر عواقب عدم توانایی به آموختن خواندن بیشتر روشن شد. فشار افکار عمومی موجب تحریک آموزگاران شد که سئوالات تازه‌ای را مطرح نمایند. برای مثال در سال ۱۹۵۴ دکتر ارتور گیت^۱ پروفیسور مؤسسه‌ی فنون زبان و معلم دانشگاه کلمبیا در

سمپوزیومی که برای مسائل خواندن کودکان تشکیل شده بود چنین گفت:

«بعضی عوامل امکان کمک به آموزش خواندن کودکان را مدتها

قبل از شش سالگی و شاید در چهارسالگی به ما توصیه می نمایند.»

کودکان مکالمه زبان را مدتها قبل از شش سالگی می آموزند. کودکان تجربیات بسیار زیادی از کتابهای مصور، فکاهی، رادیو، تلویزیون و سایر وسایل بصری حتی در سنین پائین به دست می آورند. چنین نتیجه می گیریم که کودکان، مدتها قبل از آموختن، خواندن، اطلاعات زیاد و حکایات مفصلی را در هر زمینه کسب نموده اند. اشکال آموزش خواندن در کلاس وسیع به قدری است که سرعت پیشرفت اطفال را کند می کند. در پایان کلاس اول، کودکان قادر به خواندن کتابهای دیگری نیست و این حالت کیفیت آموزش خواندن را به میزان بسیار زیادی پائین می آورد.

خوانندگان این مطالب پی می برند که اشکال آموزش خواندن در کلاس اول که نویسندگان به آن اشاره می کنند با آموزش قبل از دبستان مرتفع می شود. خواننده محترم مشکلات اختلال ادراک را که در یک زندگی گروهی ایجاد می شود در نظر دارد. لزوم آموختن در موقعیتی دور از اختلال و اشکال، راهنمایی فردی از طرف آموزگار در کلاس، و نقص محتوای آنچه که کودکان در کلاس اول می خوانند، در مقایسه با خواندن و آنچه که صحبت می شود و عکس هائی که کودکان می بینند، خود روشنگر این مطلب است که هدایت و راهنمایی راحت و بدون فشار در سنین قبل از شش سالگی، چقدر می تواند موفقیت آمیز باشد.

امروزه آموزش خواندن در سنین قبل از شش سالگی در نقاط مختلف کشورهای بزرگ در جریان می باشد. دیگر شکی باقی نمانده است که به طرق بسیار شادی آفرین و مشغول کننده می توان خواندن را به کودکان

آموخت. برای مثال:

در یک آموزشگاه منتسوری در یک جنگل کاج در شهر ایلینویس. بابی^۲ چهارساله تشک کوچک خود را پهن کرده، سپس مجموعه‌ای از اشکال و کارت‌ها را از کشویی که نزدیک وی است خارج می‌کند. عکسها را یک یک، در یک ردیف کنار تشک خود می‌چیند. او به تصویر یکم نگاه می‌کند و آهسته می‌گوید: سگ (DOG) حرف اول آن را به انگلیسی تلفظ می‌کند (د) بعد جعبه‌ای را باز می‌کند که حاوی حروف بریده شده روی مقوا می‌باشد. بابی حرف (د) را پیدا کرده آن را از جعبه بیرون آورده و در کنار تصویر سگ می‌گذارد. سپس به دنبال «او» (O) رفته آن را نیز کنار (د) می‌گذارد. بعد سراغ «گ» (G) می‌رود آن را نیز پیدا کرده و پس از گذاردن کنار (O) می‌گوید: (داگ).

بابی به راحتی کلمات مرد، گربه و کلاه را هجی می‌کند. حال می‌خواهد در کنار عکس اتوبوس (BUS) پس حروف را بگذارد، ولی نمی‌داند چه شکلی، صدای ب (B) می‌دهد. از آموزگار کمک می‌خواهد و می‌گوید کدامیک از این اشکال صدای ب (B) می‌دهند. آموزگار نوک انگشت سیاهی دست راست بابی را گرفته در توی جعبه به سراغ حرف (B) می‌رود. پس از پیدا کردن آن، انگشت کودک را روی آن گذارده و انگشت را دور شکل (B) می‌گرداند. بابی نیز خندیده و پس از شناختن حرف B به وسیله‌ی تصویر و صدا و تکرار آن، حرف B را برمی‌دارد. بابی حروف دیگر را خود هجی کرده و کنار هم چیده سپس بپاخاسته به تصویر با مباحث نگاه کرده و می‌گوید: «بس» (BUS). حروف داخل جعبه به رنگ‌های شادی بخش رنگ آمیزی

گردیده‌اند.

هیچ کس درس هجی کردن را به بابی نیاموخته است. و هیچ کس هم او را تحت فشار قرار نداده، یا او را زیر نظر نگرفته و یا او را برای این کار تشویق ننموده است، بلکه او درست کردن کلمات را به عنوان یک بازی سرگرم‌کننده، دوست دارد و از تسلط به آن لذت می‌برد.

دکتر منتسوری هنگامی که اولین مدرسه خود را تأسیس نمود دریافت که اطفال قبل از دبستان می‌توانند خواندن و نوشتن را بیاموزند. کتابهای منتسوری به چندین طرح جدید، اکنون در امریکا منتشر می‌شود و مملو از شرح اشتیاق و حرارت اطفال است که موجب گردیده حتی افراد محروم از فرهنگ و پرورش (نحوه‌ی اجرای آن قبلاً در اطفال پائین‌تر از سه سال شرح داده شده است) خواندن را بیاموزند. پس از بررسیهایی که دکتر منتسوری به عمل آورد، به این نتیجه رسید که اطفال در سنین ۴ و ۵ خواندن را آسانتر و راحت‌تر می‌آموزند.

ایجاد وسیع آموزشگاههای منتسوری در تمام امریکا مرهون علاقه‌ی مردم به آموزش خواندن قبل از دبستان، به فرزندان خود می‌باشد. امروزه مدت آموزش خواندن و نوشتن منتسوری یکی از بهترین روشهای آموزشی در امریکا است. بیشترین هدفهای برنامه منتسوری عبارت از پرورش حواس پنجگانه کودک و رسیدن به شادی و خوشحالی است که کودکان با خواندن و نوشتن به دست می‌آورند.

در مدرسه منتسوری، کودکان قبل از خواندن نوشتن را یاد می‌گیرند. این کار را با چنان اشتیاقی انجام می‌دهند که باور کردن آن برای آموزگاران دبستان مشکل است. طفل آموختن را به ترتیب: با کنترل کردن عضلات دست - بدست گرفتن وسایل کار، با کار کردن روی اشکال هندسی و پازل‌ها، با کشیدن و پر کردن اشکال هندسی شروع

می‌کند. سپس حروفی را که با مقوا یا کاغذ کلفت بریده شده با انگشت کشیده و صدای آنها را تکرار می‌کند. بدین ترتیب، او حرکات لازم دست را برای نوشتن بدون آنکه بداند سرگرم نوشتن است، انجام می‌دهد. پس از آنکه او آماده‌ی نوشتن می‌شود با شادی و خوشحالی بلافاصله این کار را شروع می‌نماید.

دکتر منتسوری عقیده دارد فقط پس از آنکه کودک حروف را شناخت و توانست آنها را بنویسد می‌تواند خواندن را نیز بیاموزد. او خواندن را با درآوردن صدای حروف شروع می‌کند و سپس آنها را تکرار می‌نماید و بعد سریع‌تر تکرار می‌کند تا معنی آن را بفهمد. اغلب خواندن یک کلمه هم با همان شادی و لذت نوشتن و فریادهای نشاط آفرین همراه می‌باشد.

دکتر منتسوری می‌گوید برای اطفال چهارساله یا چهارسال و نیمه، فقط یک ماه و نیم تمرین لازم است که اولین کلمات را بنویسند. کودک پنج ساله فقط یک ماه وقت لازم دارد. اطفال چهارساله پس از آنکه دو ماه و نیم در مدرسه منتسوری شرکت کردند هر کلمه‌ای را از روی املاء می‌توانستند بنویسند. کوچکترها، رویهمرفته پس از سه ماه قادر به نوشتن می‌شدند. آنهایی که شش ماه شروع به نوشتن کنند نوشتن آنها قابل مقایسه با شاگردان سوم ابتدائی می‌باشند. در حقیقت نوشتن یکی از بانشاط‌ترین موفقیت‌هایی است که کودک به آن دست می‌یابد. برای گذشتن از مرحله‌ی نوشتن به خواندن، فقط دو هفته وقت لازم است.

دکتر دورکین^۳ محقق دیگر، همین پیشرفت‌ها را در مورد اطفالی که در منزل تحت توجه والدین قرار گرفته‌اند مشاهده نموده و اضافه می‌کند

که بیشتر از نصف این کودکان با حروف چاپی همزمان با آموختن نوشتن، خواندن را نیز می آموزند. چنین کودکانی از مداد یا تخته سیاهی که برای آنها تهیه شده استفاده می کنند و در عین حال پرسش هائی را نیز مطرح می نمایند (پدر نام مرا نشان بده) (این کلمه چطور هجی می شود؟). این علاقه مندی آنها را به سوی خواندن سوق می دهد.

این نظریه که اگر محیط کودک با وسائلی که موجب تولید انگیزه های خواندن و نوشتن باشد کودک خودبه خود و با آزادی، خواندن و نوشتن را نیز خواهد آموخت، درست مانند ماشین تحریر ناطق و امثال آن، نظریه جدیدی است. دکتر مور^۴ که در این مورد بررسی هائی دارد نام این گونه وسائل آموزشی را محیط مسئول نام نهاده است.

چگونه کودکان خواندن و نوشتن را هنگامی که وسائل لازم در اختیار دارند خود به خود می آموزند؟ بدین ترتیب که: کودک به عنوان بازی و تفریح جلو ماشین تحریر ناطقی که قبلاً برنامه ریزی شده می نشیند. ماشین به او می گوید عکسی را که روی صفحه می بینی بگو از کیست. کودک با ماشین شروع به تایپ کردن می کند و می نویسد شیرماهی. ماشین می گوید: آیا مضحک نیست؟ مانند مردی است که دارای سبیل است. حال کودک شروع به ماشین کردن سبیل می کند.

هر حرفی که کودک روی ماشین می زند ماشین برایش تلفظ می کند و آنها را همراه کودک تکرار می نماید. کودک می نویسد: س - ب - ی - ل - ماشین در پایان کلمه ی سبیل را هم تکرار می کند. کودک با نشاط می خندد.

سبیل خیلی مضحک است. من این کلمه را دوست دارم. کودک با نشاط فراوان با خود زمزمه می کند و به جمله ی دیگر می پردازد.

آیا می‌توانید قبل از دبستان ... ■ ۱۷۳

گرچه کودک این مرحله را به صورت یک بازی مفرحی تلقی می‌کند، ولی در حقیقت برای خودش ارتباط بین نوشتن و زبانی که صحبت می‌شود را کشف می‌کند و استفاده از ترکیب هنرهای خواندن، نوشتن، گوش کردن و صحبت کردن را می‌آموزد.

ماشین به کابینتی نصب شده و دارای دکمه‌هایی به رنگهای مختلف برای شروع بازی است تا کودک اشتباه نکند.

بالای دکمه‌ها تابلویی برای نشان دادن کلمات متصل است. در طرف چپ پرده‌ایست که تصاویر روی آن ظاهر می‌شود. خود ماشین در جعبه شفاف پلاستیکی قرار گرفته که شاگردان کار آن را ببینند. پس از آن که کودک ۲۵ دقیقه با ماشین بازی کرد، با شادی بلند شده و دکمه خاموش کردن ماشین را می‌زند. ماشین می‌گوید: خدا حافظ اکنون نوبت مرجان است بگوئید او بیاید.

دستگاه دیگری مانند ماشین تحریر ناطق به صورت عروسکی درست شده که دارای دم کوچکی مانند خوک است و با کودکی که در کنار او نشسته در مورد سفری که به فیلادلفیا در پیش دارند صحبت می‌کند. کودک که نامش پاملا^۱ است می‌گوید: من حکایت سفر خود را ضبط می‌کنم که بعداً آن را بنویسم.

ما سوار هواپیما می‌شویم، می‌رویم به فیلادلفیا، در آنجا پدر بزرگ، مادر بزرگ، پسرخاله‌ها و دخترخاله‌های خودم را می‌بینم. ما تعطیلات خوبی در پیش خواهیم داشت و چهارشنبه بعد برمی‌گردیم. دستگاه می‌گوید: آیا بین این صحبت‌هایی که بیان کردی کلماتی هستند که نمی‌توانی هجی کنی؟

پاملا می گوید: آری، کلمات هواپیما، فیلادلفیا، تعطیلات و چهارشنبه، دستگاه این کلمات را حرف به حرف روی پرده ظاهر کرده و تلفظ می کند. کودک با شادی دستها را به هم کوفته و فریاد می کشد. به خوبی یاد گرفتم سپس آن کلمات را روی دستگاه می نویسد و کلمات روی پرده با نوشتن پاملا حرف به حرف ظاهر می شوند.

دو کودک که نام برده شدند دو تن از هزاران کودک هستند که در مدارس منتسوری از طریق ماشین تحریرهای ناطق نوشتن و خواندن را آموخته اند.

از ماشینها برای آموزش اطفال سه و چهارساله صبحها استفاده می شود. اطفال دو سال و نیمه هم روزی ۳۰ دقیقه می توانند به عنوان تفریح از این وسایل که از طرف مؤسسات خیریه به منظور بررسی استعداد اطفال در اختیار آنها قرار داده می شود استفاده نمایند. این کودکان صرفاً به عنوان بازی و لذت بردن از آموزش خواندن و نوشتن را می آموزند نه ترس از معلم، با داشتن انگیزه، پاداش و با تسلط به کار. کلیه تلاشها مصروف اینست که فشار از کودکان برداشته شود و صرفاً شوق و جذبه جانشین آن گردد.

کودکی که برای کار با ماشین تحریر می رود بوسیله ی کودک دیگری که آنجا سابقه دارد به ماشین معرفی می شود. کودک راهنما می گوید که تازه وارد هر وقت خودش اراده کند می تواند با ماشین بازی کند، اگر شروع کرد اجباری ندارد ۳۰ دقیقه پای ماشین بنشیند. می تواند نوبت خود را به دیگری بدهد. خلاصه آزادی مطلق دارد. معمولاً به ندرت کودک به این بازی عدم تمایل نشان می دهد. ولی کودک که بازی را رد می کند مدیر مؤسسه هیچگونه اعتراضی ندارد. و می گوید ما باید بازی را به طریق دیگری ترتیب دهیم که کودک راعب

شود.

معمولاً در مکانهایی که از این سرگرمی‌ها ارانه می‌شود محلی نیز برای برگزاری جشنهای تولد شرکت کنندگان ترتیب داده می‌شود و چون تعداد شرکت کنندگان در کلاسها زیادند، تعداد جشنهای تولدی هم که برگزار می‌شود زیاد است. اطفال چون می‌خواهند جشن‌های تولد را از دست بدهند، لذا به بازی با ماشینهای ناطق نیز ادامه می‌دهند.

اگر کودکی که با ماشین بازی می‌کند توجهش به خارج از آن جلب شده و کنترل ماشین را از دست بدهد ماشین متوقف شده و حرف بزرگی در صفحه ظاهر می‌شود. ماشین نام کودک را صدا می‌کند تا کودک مجدداً کنترل ماشین را بدست گیرد. قسمت ناطق دستگاه هیچوقت خود به خود خاموش نمی‌شود.

در مراحل بعد که کودک پیشرفت کرد به جای حرف، روی صفحه کلمه ظاهر می‌شود، کودک می‌داند که بایستی آن را ماشین کند. در این هنگام هر یک از حروف به وسیله ماشین تلفظ می‌گردد. پس از چندی که این عمل تکرار شد، کودک پی می‌برد که حرفها را روی ماشین نمی‌نویسد، بلکه کلمه را می‌نویسد و کشف می‌کند که می‌تواند آنها را بخواند. در این مرحله کودک از جای پریده، ماشین را ترک می‌کند تا شادی و خوشحالی خود را از این موفقیت با دیگران در میان بگذارد.

پس از آموختن کلمات، آموزش جمله و حکایت شروع می‌شود. بعضی مواقع ماشین طوری برنامه‌ریزی می‌شود که کودک از خود حکایاتی نقل کرده و در عین حال آنها را بنویسد. حتی اطفال دو - سه ساله و عقب افتادگان هم می‌توانند به خوبی با این سبک، خواندن و نوشتن را بیاموزند.

اگر کودکی از کار با ماشین خسته شده و یا کسل شود فقط

انگشت خود را بلند کرده و ماشین را ترک می‌کند. هیچ کس به او اصرار نمی‌کند حتی برای چند لحظه‌ی دیگر ادامه دهد. هیچ یک از افرادی که برای کودک مهم هستند در جریان پیشرفت وی قرار نمی‌گیرند. حتی ابوی او، یا آموزگاران دیگری که برنامه‌های دیگر را اداره می‌کنند. کودک اطلاع دارد که هیچ کس نمی‌داند او پشت ماشین تحریر چه می‌کند. هیچ گونه رقابتی بین همشاگردان نیست و نه مزاحمتی برای کودک که مطلبی را در حضور دیگران بخواند. هیچ علامتی نشان نمی‌دهد که او جواب غلطی به ماشین داده است و هیچ انگیزه‌ای برای آموختن غیر از آنچه که در خود فعالیت وجود دارد نیست.

تمام تلاشها بکار برده شده که افراد بالغ از ماشین و تعلیم دادن و منحرف نمودن کودک از آزادی اکتشافات شخصی خودشان، بدور باشند و به این جهت است که ماشین‌ها خود، اطفال را برای آموزش صدا می‌زنند. کودکان کودکستان بعد از ظهرها در کلاسها شرکت دارند. به طور متوسط بین هر ۱۱ نفر با سطح هوش متوسط یک نفر قادر است کتابهای کلاس ششم را بخواند. و تمام آنها کتابها را دوست دارند و از خود سرگذشتهایی درست می‌کنند و برای تفریح از خود روزنامه منتشر می‌سازند. خود آنها سرمقاله می‌نویسند.

کودکان بعضی مواقع از خود شعر و گاهی نمایشنامه می‌نویسند و خود آن را بروی صحنه می‌برند.

بازدید کنندگان به ما می‌گویند تعجبی نیست از این که شما آنقدر خوب در کار خود موفق گردیده‌اید. برای اینکه با کودکان باهوش کار می‌کنید. برای آنها مشکل است قبول کنند که تمام اطفال در ابتدای شروع آموزش دارای هوش متوسطی بودند.

هیچ یک از این اطفال که نوشتن و خواندن را آموخته بودند اشکالی

به تطبیق خود با کلاس، پس از ورود به دبستان نداشتند جز اینکه شکایت داشتند که درسها خیلی آسان است و کتابها عادی و معمولی است. در صورتی که آنها دوست داشتند برنامه‌های سازنده‌ای را در مقابل خود ببینند.

گزارشاتی که در مورد کودکانی که در کلاسهای ماشین‌های تحریر ناطق شرکت داشته و سپس به دبستان رفته‌اند وجود دارد، حاکی از دوست داشتن دبستان است. این کودکان اگر به مدرسه دیگری بروند به زودی خود را تطبیق می‌دهند. هر چه بیشتر آنها در برنامه‌های منتسوری شرکت کرده باشند، بیشتر در مطالب مدرسه تعمق نموده و راحت‌تر و آسانتر آن را درک می‌کنند. کودکانی که خود خواندن و نوشتن را آموخته، در دبستان پای بند معلم نیست. وقتی که در کلاس بزرگی است منتظر کمک آموزگار نمی‌شود و سعی دارد خود مسائل را حل کند.

در سال ۱۹۶۴ بنیاد مسئول محیط، لابراتوار خود را از هامدن هال^۶ به دفتر مرکزی خود منتقل نمود تا کار با ماشین تحریرهای ناطق را با طبقات مختلفی از اطفال مورد آزمایش قرار دهد. این ماشینها در دفتر مرکزی بنیاد و مراکز دیگر با موفقیت کامل مورد استفاده کودکان باهوش متوسط، با استعداد، عقب مانده، محروم از آموزش، مغز آسیب دیده، بیمار فکری و جسمی قرار گرفتند. نتیجه در مورد همگی بسیار رضایت بخش بود. اطفال نامبرده به طور مکرر مورد آزمایش دید، بیان، شنوایی، سلامت عمومی، میزان هوش و مهارت در هر رشته قرار گرفته‌اند. هیچ گونه آسیبی در آزمایشات بالا در اطفال شرکت کننده به سبب آموزش قبل از دبستان مشاهده نگردید.

ماشین تحریر ناطق ممکنست برای آموزش مفاهیم ریاضی، آموزش

هر یک از زبانهای خارجی و آموزش جغرافیا و بررسیهای اجتماعی بکار برده شود.

ماشین تحریر به خودی خود دستگاه معجزه آسایی نیست که به طور خود کار افراد را تحریک کرده و به آنان آموزش دهد. بلکه این وسیله قسمت اساسی برنامه تحریک فکری روانشناسی اجتماعی برای آموزش می باشد. ماشین تحریر ناطق یکی از انواع ماشینهای جدیدی است که برای آموزش فعالیت در کودکان به وجود آمده است. یکی از سیستمهای بزرگ آموزشی برای پی بردن به طرق جدیدی است که کودکان بتوانند به علائم سیستمهای پیچیده ای که اجتماع تکنولوژیکی ما به طور روزافزون به آن بستگی پیدا می کند آشنا گردند.

قیمت زیاد ماشین تحریر ناطق مصرف آن را برای همگان محدود می کند ولی به طور وضوح نشان داده است که اگر این موقعیت به کودکان داده شود، آنها خواهند توانست نوشتن و خواندن را بدون کمک غیر در زمان کوتاهی با عشق و شادمانی بیاموزند.

دکتر مور می گوید: آینده نیاز به درک و فهم سریعتر مطالب دارد. ما به روشهای بهتری برای دادن مهارتها در مراحل مختلف علمی نیاز داریم. اکنون که ثابت شده قدرت یادگیری آن قدر بالا است، ما لازم است نحوه استفاده هر چه بیشتر از سالهای اولیه زندگی را بیاموزیم. سؤال بزرگ برای آینده اینست که آیا می توانیم از تکنولوژی مدرن، ریاضی و علوم، برای به وجود آوردن افکار خلاق در کودکان استفاده کنیم یا آنها را باید با فشار به جلو سوق دهیم؟

دو دانشمند متخصص آموزش و پرورش دکتر مور و دکتر منتسوری هر دو از فشار وارد آوردن به کودک برای آموختن خواندن پرهیز زیاد دارند. نامبردگان تنها پاداش کودکان را در مراحل آموزش، شادی

اکتشاف، احساس انجام کار و مهارت و لذت دانستن را می‌دانند. اکنون حتی افرادی که در مورد توفیق کودکان به آموختن قبل از ورود به دبستان بدبین بودند با نهایت تعجب، علاقه وافر اطفال را به آموختن، تمرکز و نشاطی را که به آنها در بکاربردن الفبای مقوانی و ماشین تحریر ناطق دست می‌دهد مشاهده می‌نمایند.

گرمی، ستایش و جدیت آموزگاران به ویژه والدین درمتهای دیگر آموزشی که برای اطفال در نظر گرفته شده، به ویژه آموزشهایی که در منزل صورت می‌گیرد و پدر و مادر توانائی تهیه وسایل آموزشی کلاسهای متنوری یا ماشین تحریر ناطق را ندارند بی نهایت واجد اهمیت می‌نماید. بهترین روشی که برای آموزش اطفال به وسیله والدین در منزل در نظر گرفته شده، متد گِلِن دومان^۷ و دکتر کارل دلاکاتو^۸ از طریق دیدن کلمات می‌باشد. این دو دانشمند آموزش اطفال را در خارج از محوطه‌ی کار خود انجام نداده‌اند. کار این دو پزشک معالجه‌ی اطفالی است که به مغز آنها آسیب وارد شده بود. تلاش آنها صرف وارد کردن انواع انگیزه‌های احساسی به مغز کودکان بیمار گردیده به این امید که بتواند سلولهای قسمت آسیب ندیده و مورد استفاده قرار ننگرفته‌ی مغز را به کار وادارند. این دو دانشمند کشف کردند که با روشی که در پیش گرفتند موفق شدند خواندن را به بیماران سه و حتی دوساله بیاموزند. اطفال بیمار نیز با علاقه و شادی فراوان برای آموختن از خود رغبت نشان می‌دادند.

این دو محقق برای دستیابی به استعداد نهانی بشری شروع به تشویق والدین به آموزش اطفال سالم خود نمودند و اطفال نیز در سنین چهار-سه و حتی دوسالگی خواندن را آموختند. آنچه که بیش از همه موجب تحت تاثیر قرار گرفتن والدین و آموزگاران بود حرارت و لذتی بود که

نوآموزان از آموختن خواندن برده و از این کار فرح و شادی زایدالوصفی به آنان دست می‌داد.

طبق متد دکتر دلاکاتو برای کودکانی که در بغل پدر یا مادر است روی کارت بزرگی با حروف قرمز به بلندی دو اینچ کلمه‌ای نوشته شده، به او گفته می‌شود کلمه چه می‌گوید. دفعه‌ی دیگر کارت به دست کودک داده شده و از وی سؤال می‌شود روی آن چه نوشته شده اگر کودک جواب صحیح داد مواجه با شلیک خنده‌ی پدر و مادر می‌شود. اگر طفل کلمه را به خاطر نیاورد، مجدداً بدون انتقاد به وی گفته می‌شود پس از آنکه کودک دهها کلمه آموخت به وی کارتهای کوچک‌تر با همان کلمات داده می‌شود. کارتها به تدریج کوچک می‌شوند تا به اندازه‌ی حروف چاپی برسند. از اینجا به بعد مرحله‌ی آسانتر کار شروع می‌شود و کودک می‌تواند با همان کلمات کتاب کلاس یکم کار کند. این روش را آموزش کلمات از طریق بینایی می‌نامند. دکتر می‌گوید: کودک دو یا سه ساله‌ای که خواندن را آموخته است از طفلی که نیاموخته شادان‌تر و خوشحال‌تر است. این کودک کمتر سرکش است و کنترل وی نیز آسان می‌باشد. برای اینکه به‌وی راه بسیار خوبی برای ارضاء میل سیری ناپذیرش به آموختن ارائه گردیده است.

به هر حال روشهای خواندن حروف تلفظی که از ابتدا با کلماتی نوشته می‌شود که صدای آنها نیز در جای دیگر ذکر می‌گردد، برای کودک راحت‌تر است که می‌تواند صدای کلمه را نیز تلفظ کند.

از اینرو هنگامی که شیکاگو تریبون تصمیم گرفت که باریکه‌ی فکاهی در مجله خود برای کمک به آموزش خواندن به اطفال را در منزل شروع کند. طرح صدا دار انتخاب گردید. این طرح شامل چندین بازی مختلف و فعالیتهای آموزشی نیز می‌باشد.

آیا می‌توانید قبل از دبستان ... ■ ۱۸۱

در زیر یکنوع بازی شرح داده می‌شود و به کودک می‌آموزد که حروف چه می‌گویند، والدین به کودک حرف بزرگ هـ - h را در قسمت فکاهی صفحه نشان می‌دهند. مادر آن را نشان داده و می‌گوید به صدلی شباهت دارد، (h) تصویر بعدی کودک را در حال دویدن نشان می‌دهد. مادر مجله را می‌خواند و می‌گوید هاری آن قدر تند به طرف منزل می‌دود که دارد از نفس می‌افتد. در تصویر دیگر هاری روی یک صدلی افتاده و می‌گوید هـ. هـ. هـ. h- h- h- .

سپس والدین کودک را تشویق می‌کنند به دور اتاق بدود، او هم چند دور می‌دود و وانمود می‌کند از نفس افتاده خودش را روی صدلی می‌اندازد و می‌گوید هـ. هـ. هـ.

بالاخره مادر به کودک می‌گوید اکنون به صدای هـ. گوش بده، هلیکوپتر، همبرگر، هامر (چکش). اگر مادر ملاحظه کرد که کودک زیاد علاقمند است به کودک پیشنهاد می‌کند کلماتی تلفظ کند که اول آنها با هـ. شروع می‌شود.

یک کودک کوچک که اسامی را نمی‌داند معمولاً بهتر این عمل را انجام می‌دهد. باستثناء حروف صدادار که بعضی مواقع صدای خودشان را می‌دهند. بعداً شما به آسانی می‌توانید صدای خود الفبا را به طفل بیاموزید.

قسمت دیگر کلمه m را آموزش می‌دهد که در اول اسامی ماری، مون (ماه) و میلک (شیر) است شکل آن مانند یک جفت دستکش بچه گانه‌ی یک انگشتی به هم چسبیده رسم شده و اول کلمه مین می‌باشد که فارسی آن دستکش بچه گانه است و تک انگشت آن در پشت پنهان شده است. بعد از آن حرف (پ) p که اول اسم پاپا است. به همین ترتیب شروع می‌شود و در عکس پدری است که پیپ می‌کشد. در این مرحله والدین

کلماتی که باپ شروع می‌شود نوشته و از کودک می‌خواهند با انگشت خود دور حروفی که آموزش می‌دهند بکشند و درعین حال نام آن کلمات را نیز بر زبان بیاورند.

محققین به والدین توصیه می‌کنند که هر مرحله‌ی آموزش بیش از سه تا پنج دقیقه برای کودک سه ساله و چهار ساله نباید طول بکشد. ولی در هر صورت بازی ممکن است در صورت علاقه‌ی کودک چند دفعه در روز تکرار شود.

پس از آنکه از طریق این بازی، کودک حروف را شناخت از وی خواسته می‌شود آنها را غیر از اول کلمات در وسط یا آخر آنها پیدا کند و صدای آنها هم تکرار نماید. بعضی مواقع والدین نیز به ابتکار خود بازیهای درست می‌کنند. (توجه شود تمام این مراحل باید به صورت بازی و تفریح باشد.)

مبتکرین این بازیها که در شیکاگو تربیون به صورت پاورقی منتشر می‌شود به والدین توجه می‌دهند این روش یک بازی است. همانطور که کودک ایستادن، راه رفتن و حرف زدن را می‌آموزد، خواندن و نوشتن را نیز باید با میل و رغبت بیاموزد.

ممکن است اطفال در مراحل اول صدای حروف را فراموش کنند از آنها نخواهید فکر کنند یا حدس بزنند بلکه فوراً صدای آن را برای کودک تلفظ کنید. هر حرفی را که کودک آموخت او را تشویق کنید. بدین ترتیب پیشرفت او سریع‌تر می‌شود و خود شما هم در این مواقع با او احساس شادی کنید.

پس از حرف بالا حرف S (اس) آموزش داده می‌شود. حرف T (ت) با تیک تیک ساعت و حرف R (ر) با غرغر سگهای بزرگ که کودک از تقلید آن لذت می‌برد. پس از آموختن حرف w که همگی

آیا می‌توانید قبل از دبستان ... ■ ۱۸۳

حروف بی‌صدا هستند او آماده است که اولین حرف صدا دار را بیاموزد. اولین حرف صدا داری که می‌آموزد حرف آ (A) است مانند کلمه‌ی سیب (Apple). سپس موقع حساسی می‌رسد که کودک آماده‌ی بکار بردن حروف صدا دار و بی‌صدا با یکدیگر است. بدین ترتیب کودک آماده است در پاورقی فکاهی روزنامه حروفی را که چاپ شده و تشکیل می‌شود از حروفی که خود آموخته است تدریجاً بخواند.

پس از آنکه فرزند شما توانست حروف صدا دار و بی‌صدا را کنار هم بگذارد بایستی آنها را روان و به آرامی تلفظ کند تا به تدریج کلمات را بشناسد. البته این کار تمرین بیشتری لازم دارد و بایستی چندین روز با وی کار شود.

به همان نحو که درس پیشرفت می‌کند حروف دیگری را که تلفظ آنها مشکل است می‌آموزد. والدین می‌توانند به ابتکار خود بازی‌های دیگری نیز که کودک دوست دارد، برای پیشرفت وی ترتیب دهند. (البته این روش آموزش در زبان فارسی به علت صداهای ویژه‌ی حروف صدا دار از انگلیسی آسانتر است. برای مثال کلمه ROUGH (راف) به معنای زبر و خشن در انگلیسی هیچ تناسبی با تلفظ جداگانه‌ی حروف آن ندارد و کودک باید به همین شکل تلفظ آن را بیاموزد).

پس از آنکه کودک توانست کتابهای آسان را که با کلمات معدودی نوشته شده بخواند به تدریج خواهد توانست خود مستقلاً این کار را انجام داده و کلماتی را که نمی‌شناسد از والدین جویا گردد. مادری به روزنامه تریبون می‌نویسد: ماری چهار ساله بود که اولین درس شما در روزنامه منتشر شد. او پس از شصت درس دیگر علاقه‌ی به درسها را از دست داد و در عوض شروع به خواندن کتابهای خواهرش که در کلاس سوم است نمود. اکنون به راحتی آن کتابها را می‌خواند. و اخیراً شروع

به آموزش برادر سه ساله‌ی خود نموده است.

تعلیم خواندن به کودک در حقیقت بسیار عمل راحتی است. هر کسی می‌تواند حروف ساده‌ی اصلی را به کودک بیاموزد و جای تعجب است که ملاحظه می‌کنید کودک با چه عشق و علاقه‌ای آنچه را که می‌گویند می‌آموزد. هنگامی که کودک شروع به حرف زدن می‌کند آموزش حروف، با صدای آنها، برای او بسیار مشغول‌کننده است. مادری می‌گوید:

فرزندان من که خیلی کوچک بودند به مهد کودکی رفت و آمد می‌کردند و در آنجا تلفظ و صدای حروف را می‌آموختند. هر وقت عکس گاوی را مشاهده می‌کردند صدای گاو را تقلید می‌نمودند - ما، و اگر حرف M را مشاهده می‌نمودند آنرا می‌شناختند و صدای آنرا می‌گفتند.

آموزش اصول و مبانی خواندن به کودک بسیار آسان است، و داشتن چنین مزیت و کار مفروضی حیث است که والدین از دست بدهند. این سالهای اول کودکی دوران کنجکاویِ حداکثر فکری او است. علاقه‌وی بسیار شدید و حساس است. کودک می‌خواهد بیاموزد. و به قدری این کار را آسان و ساده انجام می‌دهد که برای وی بدست آوردن این امتیاز در سالهای بعد مشکل است. کودک چهار و پنج ساله که افسون حروف را بدست می‌آورد ساعت‌های متمادی خود را با هر حرف کوچکی مشغول می‌کند و پس از آنکه پی برد که می‌تواند بخواند دیگر دنیا را متعلق به خود می‌داند.

به گفته ناشر روزنامه تریبون ارائه و انتشار برنامه‌ی آموزش خواندن از طریق پاورقی فکاهی چنان انقلابی در آموزش و پرورش بوجود آورد که تصور آن نمی‌رفت و بنظر می‌رسید می‌بایستی تبدیل هائی در آن بعمل آید. آموزگاران کلاس اول هیچ نظر موافقی با این برنامه نداشتند چه عمده‌ی وظائف آنها در منزل بوسیله‌ی والدین انجام می‌گردید.

تهنیت و تبریکاتی که برای انجام این برنامه به روزنامه می‌رسید موجب تعجب ناشرین گردید و آنچه صرفاً به منظور انجام یک کار عام‌المنفعه ارائه گردیده بود، ناگهان یکی از داغ‌ترین بحث‌های سال گشت، بیش از شصت هزار خانواده که برنامه را به عللی از دست داده بودند از روزنامه تقاضای تجدید چاپ آنرا نمودند. برنامه کامل سیزده هفته‌ای این آموزش در تعداد زیادی از جرائد دیگر نیز منتشر گردید. خانواده‌ها ضمن تعریف از موفقیتی که فرزندان آنها در آموزش بدست آورده‌اند درخواست دو یا سه شماره‌ای را که از دست داده بودند داشتند.

آموزگاران کودکان دبستان و کلاس اول دبستان بیشترین گروهی بودند که نامه‌هایی به روزنامه نوشتند ولی برخلاف انتظار بیش از همه اقدام تریبون را مورد تجلیل قرار دادند. این برنامه‌ها از طرف تعدادی از آموزگاران بازنشسته بود که به طور موقت وظیفه تشویق اطفال کوچک را داشتند.

یکی از آموزگاران چنین نوشته بود. من آموزگار کلاس یکم دبستان هستم. فکر می‌کنم شما علاقمند هستید که بدانید، بهترین شاگردان من شاگردان شما هستند. آیا می‌توانید تمام سری متد آموزشی خود را برای من بفرستید که برای آموزش شاگردان از آن استفاده کنم؟ از تمام نامه‌های رسیده و تمجیدهایی که به عمل آمده چنین استنباط می‌شود که یک زبان، خواه نوشتن یا صحبت کردن به آن عمی است که در مفر انجام می‌شود نه گوش یا چشم که آنها را می‌گیرند یا زبان و دستها که آن را بوجود می‌آورند. هیچیک از این حواس نمی‌توانند معانی علائم را درک کنند. فقط آنها بوسیله‌ی صریانهای الکتروشیمی، علائم را به مفر می‌رساند چنانی که بایستی آن علائم تعبیر و تفسیر شوند. صرفنظر

از هر جایی که حواس را تحریک می‌کنند این مغز است که شناسایی و تفسیر و معنی کلمات را انجام می‌دهد.

مدتها ما پذیرفته بودیم که هر کودک به استثناء آنهایی که شدیداً عقب مانده هستند، می‌توانند تا سن پنج سالگی زبان محیط خود را به خوبی بیاموزند. این کودک لهجه، گرامر و لغات را به همان نحو که اطرافیان بکار می‌برند غلط یا صحیح، یاد می‌گیرد. کودک این یادگیری را بدون آموزش رسمی، فشار و معمولاً بدون شوق انجام می‌دهد. چون فهم و بکاربردن زبان یکی از فعالیت‌های مغزی است، برای طفل به همان قسم که آموختن علائم صوتی (منظور کلماتی است که بکار برده می‌شود) آسان است علائم چاپی نیز آسان می‌باشد. در حقیقت اطفال کوچک والدین ناشنوا علائم زبان را با تحریک حرکات انگشتان آنها واضح‌تر از صحبت کردن می‌آموزند.

در بیان علت اینکه چرا شاگردان سال اول نمی‌توانند خواندن را بیاموزند بعضی از آموزگاران عقیده دارند که مغزهای جوان قادر به درک طبیعت علائم کلمات نوشته شده نیستند. این آموزگاران نمی‌توانند دریابند که کلمه‌ی شفاهی گاو هم مانند حروف کتبی آن گ-ا-و و مشخص‌کننده‌ی طبیعت و شکل گاو نیست. هر دو این دو حالت شفاهی یا کتبی علائمی برای نشان دادن و شناختن این حیوان درشت اندام هستند. اگر مغز کودک آنقدر رشد کرده که از راه گوش کلمه‌ای را برای شناختن حیوان یا شیء بیاموزد، خواهد توانست همین عمل را از راه چشم نیز به مغز برساند. این هر دو عضو عاملی برای انتقال ادراک به مغز می‌باشند.

در حقیقت بایستی پذیرفت، کلمات نوشته شده که زمان دراز با فرم واحدی در معرض دید کودک قرار می‌گیرد آموختنش به مراتب آسانتر

است از کلمه‌ای که فقط چند ثانیه به گوش رسیده و محو می‌شود و تلفظ آن نیز ممکنست بوسیله افراد مختلف فرق کند.

محققین عقیده دارند که اکثریت افراد می‌توانند در سن چهار سالگی خواندن را بیاموزند. کودکان در دو سالگی صحبت‌های والدین را به خوبی می‌فهمند. فرق بسیار کمی است بین یادگیری خواندن حرفهائی که صحبت می‌شود و آموختن خواندن حرفهائی که نوشته می‌شوند. کلمات شفاهی به کودک از طریق امواج صدا می‌رسد و کلمات کتبی از طریق امواج نور. دلیل اینکه اطفال صحبت کردن را زودتر از خواندن یاد می‌گیرند اینست که برای والدین بکاربردن الفاظ شفاهی راحت‌تر از کلمات کتبی است. هیچ دلیلی وجود ندارند که درک کلمات کتبی مشکل‌تر از کلمات شفاهی باشد.

از لحظه تولد، کودک بوسیله صحبت‌های اطرافیان احاطه می‌شود. این کلمات که اغلب برای اظهار محبت به کودک اداء می‌شود، مرتباً تکرار می‌گردند و تکرار آن کلمات به‌ویژه، از طرف کودک، موجب تشویق نمودن او از طرف اطرافیان می‌گردد.

ولی کلمات کتبی برای مدت درازی پنهان نگاه‌داشته می‌شوند. کلماتی که در مجلات، روزنامه‌ها و پشت جلد کتب می‌بیند به قدری کوچک و به هم آمیخته هستند که تفسیر آنها برای کودک مشکل است. اغلب کلماتی که کودکان می‌بینند و می‌توانند آنها را بخوانند عبارتند از کلماتی که با حروف بزرگ، و روشن و واضح دیده می‌شوند، مانند کلماتی که روی قوطی‌های خوراکی، ایستگاههای بنزین، فروشگاهها، علائم اصلی اعلانهای تجارتنی در تلویزیون. اینها فقط کلماتی هستند که کودک تلاش می‌کند بفهمد.

از آنجائی که خواندن و صحبت کردن هر دو، یک نوع فعالیت مشابه

مغزی می‌باشند، علیهذا اطفالی که در آموزش خواندن دچار اشکال می‌گردند. علت اصلی، اشکال آنان ارانه‌ی آن متد آموزشی است. متخصصین روانشناس عقیده دارند سه اختلاف بین آموزش مکالمه و خواندن وجود دارد که عبارتند از:

اول آنکه - صحبت خیلی به‌کندی آموخته می‌شود. جلسات آموزشی کوتاه است. تکرار می‌شود، در طول روز این جلسات تقسیم می‌شود، هیچکس انتظار ندارد کودک فوراً آنرا یاد بگیرد، یا برای آموختن روی آن تلاش زیادی به کار گرفته شود.

دوم آنکه - اگر کودک کلمه‌ای را یاد بگیرد، یادگیری او به وسیله اطرافیان تقویت می‌شود. اگر کودک بگوید آب، فوراً به‌وی آب داده می‌شود. اگر بگوید بای بای، طرف مخاطب تکرار می‌کند بای بای.

سوم - این تقویت یادگیری بلافاصله انجام می‌گردد.

روانشناسان می‌گویند هیچیک از این سه اصل در آموزش خواندن در کلاس اول دبستان اعمال نمی‌گردد. با این فرق که آموزش صحبت، در طول دو ساله‌ی اول زندگی ادامه دارد، آموزش خواندن ناگهان در دبستان شروع می‌گردد چون آموزگار کلاس اول با سی، یا سی و پنج نفر کودک سروکار دارد. علیهذا یادگیری کودک به‌ندرت به وسیله آموزگار تقویت می‌گردد (ماده ۲ آموزش صحبت).

تئوریهای آموزشی که از طرف جراثد حرفه‌ای منتشر می‌شود قدری پیچیده و مشکل‌اند، ولی همگی بر این عقیده هستند که در آموزش خواندن اگر موقعیتهای زیادی در اختیار کودک گذارده شود مشکل‌تر از آموزش صحبت کردن نیست. بحث این مطلب که آیا اطفال کوچکتر از شش سال می‌توانند خواندن را بیاموزند حل گردیده و روشن شده است که کودکان قبل از دبستان می‌توانند خواندن را حتی خیلی روان بیاموزند، ولی هنوز

هم معدودی براین عقیده هستند که نباید اطفال را قبل از دبستان وادار به خواندن نمود. آنها عقیده دارند فشار وارد آوردن به کودکان عمل پسندیده‌ای نیست و موثر هم نمی‌باشد.

مخبرینی که برنامه‌های آموزشی قبل از دبستان را مطالعه کرده‌اند هیچگونه علانمی از فشار وارده به کودکان یا عکس‌العمل منفی از آنها، مشاهده ننموده‌اند. حتی افرادی که دارای توان هوشی اندک و یا اشکالات خانوادگی بوده‌اند، بازهم از آموزش خوشحال به نظر می‌آمدند. آزمایشات روانی که بعداً در مورد آنها انجام شد، وضع روحی آنها را خیلی بهتر از قبل نشان داد.

در حقیقت آموزش خواندن هنگامیکه مغز از همیشه آماده‌تر برای گرفتن کلمات و مکالمه است و توانایی مغز در حداکثر خود قرار دارد، فشار کمتری به کودک وارد می‌نماید. اگر کودک در سالهای اول زندگی منفرداً و بوسیله‌ی والدین تحت تعلیم قرار داده شود، مسلماً کودک مانند کلاس اول که با رقابت همکلاسیهای خود روبرو است کمتر تحت فشار قرار خواهد داشت. او نیازی ندارد تلاش کند. به پای شاگردان طراز اول کلاس برسد و یا مورد تحقیر قرار گیرد او نگرانی از لحاظ آزمایش و نمره را نیز ندارد.

هرگونه متد آموزشی کلاس اول مستلزم مقدار زیادی تلفظ کلمات یا صداها است. نویسندگان این متدها اغلب می‌گویند چند مرتبه همان کلمه را در یک صفحه یا حکایت باید تکرار کرد. مجموع کلماتی که در سال اول در برنامه آموزش خواندن از طریق تصویر کلمات بکار می‌رود بین ۱۱۰ تا ۳۰۰ کلمه است و جای تعجب نیست که قوانینی برای برانگیختن اشتیاق کودک شش ساله و فعال بودن وی لازم باشد.

ولی کودک دو - سه و چهار ساله از تکرار لذت می‌برد. آنچه که

موجب کسالت یک کودک شش ساله است به خوبی موجب ایجاد جذبه و شادی در کودک سه ساله می‌باشند و آنچه که یک کودک در کلاس یکم فقط به اصرار معلم انجام می‌دهد. یک کودک سه ساله با میل و ابتکار خود انجام خواهد داد.

انتقاد کنندگانی که هنوز فکر می‌کنند هیچکس به جز آموزگاران تعلیم دیده نمی‌توانند خواندن را به کودک بیاموزند. نه فقط تحقیقات جدیدی را که در مورد این موضوع بکار رفته و نتایج خوبی را که به بار آمده نادیده می‌گیرند، بلکه توانایی کودک به آموختن تکلم را نیز به نظر نمی‌آورند. همچنین مهارتی را که بدان وسیله والدین می‌آموزند متد جدید را چگونه با شخصیت فردی کودک تطبیق دهند را نیز نادیده می‌گیرند.

از بررسیها و پرسشهایی که از چهل و نه کودک که قبل از ورود به دبستان قادر به خواندن بودند، به عمل آمد نتیجه‌ی تعجب آوری به دست آمد. شانزده نفر از آنها جواب گفتند از طرف برادر و خواهران بزرگتر از خود تحت تعلیم قرار گرفته‌اند. موضوع با والدین اطفال در میان گذارده شد، معلوم شد در چهار مورد برادران بزرگتر به تنهایی مسئول آموزش بوده‌اند. در مورد بیست و چهار نفر از آنها برادران و خواهران بزرگتر نیز در آموزش سهم بوده‌اند. یک خواهر دوساله هم که عشق وافر به مدرسه و بازی داشته به آموزش یکی از آنها کمک شایانی نموده است.

والدینی که در منزل آموزش کودک را عهده‌دار می‌باشند، کاملاً مراقب هستند به محض مشاهده‌ی احساس خستگی در کودک، یا کسالت، و یا عدم توجه و دقت، آموزش را متوقف می‌نمایند. مادری به ناشر تریبون می‌نویسد:

آیا می‌توانید قبل از دبستان ... ■ ۱۹۱

شما واقعاً لازم است فرزند مرا ببینید که چقدر علاقمند به یاد گرفتن صدای حروف است. من اکنون براین باور هستم کودکانی که اگر بتواند کارد را از چنگال فرق بگذارد به راحتی خواهد توانست بین الف و ب هم فرق بگذارد و آنها را به خوبی بشناسد.

من هیچوقت به فرزندان خودم فشار وارد نمی‌کنم مگر آنکه آنها به دنبال من آمده و درخواست کنند صدای دیگری را به آنها بیاموزم. من در هر نوبت یک حرف و صدای آنرا به کودک می‌آموزم و حرف دیگر را شروع نمی‌کنم مگر آنکه فرزند بتواند حرف قبلی را روی قوطی‌های خوراکی یا تابلوها بخواند. من فکر می‌کنم که ما مادران هیچوقت پی نبرده‌ایم که در حقیقت اولین و بهترین آموزگار کودک هستیم.

مادران زیادی از این قبیل نامه‌ها به ناشر تریبون نوشته و از متدی که به صورت پاورقی فکاهی برای آموزش کودکان انتخاب نموده تقدیر کرده و فرزندان‌شان را در فن خواندن تشریح نموده‌اند.

از جمله، مادری می‌نویسد فرزند من تعدادی کلمات را آموخته است. اکنون سعی دارد آن کلمات را در کتابها پیدا کرده و به من ارائه کند. این کودک ضمن شناختن کلمات در مکالمه نیز پیشرفت شایانی نموده است. در حقیقت ما لحظات شادی بخشی را با هم می‌گذرانیم.

به بعضی از والدین که فرزندان آنها قادرند کتابهای کلاس اول و دوم را بخوانند این نگرانی دست می‌دهد که پس از آنکه این کودکان به کلاس اول رفتند، دیگر از لحاظ آموزش کاری ندارند. باید سر کلاس ساکت نشسته تا دیگران دروس خود را بیاموزند. ولی آموزگاران عقیده دارند کمک به این گونه اطفال برای پیشرفت آنها آسانتر است. معمولاً این قبیل کودکان در کلاس به سه گروه تقسیم می‌شوند که دو گروه مستقلاً خود برنامه‌ی آموزشی را انجام می‌دهند و آموزگار فقط به تعلیم

گروهی که قادر به خواندن نیست می‌پردازد. حتی آموزگار می‌تواند به این قبیل اطفال کتابهای مناسبی از کتابخانه مدرسه بدهد تا خود مطالعه کند. مسلماً در موفقیت‌های بعدی آنها بسیار موثر خواهند بود.

انتقادی که از طرف تعدادی به عمل می‌آید اینست که اکنون که در کلاس اول، به اطفال خواندن آموخته می‌شود دیگر چرا سعی کنیم اطفال سه، چهار و پنج ساله خواندن را بیاموزند.

جواب اینست که کودک کی که در شروع تحصیل موفق باشد، این موفقیت را در تمام دوره‌ی ابتدائی حفظ خواهد نمود. طبق بررسی‌هایی که در مورد این قبیل افراد به عمل آمده، میزان هوش آنها نیز به‌طور مداوم افزایش می‌یابد.

یکی از محققین می‌گوید: هرچه کودک در سنین پائین‌تر موفق به خواندن شود مزیت بیشتری نصیب وی خواهد شد. برای مثال دوازده کودک در سه‌سالگی شروع به خواندن نمودند، در آخرین مرحله سطح خواندن آنها ۹/۲ بود. ولی چهارده کودک در سن پنج‌سالگی شروع به آموزش خواندن کردند، هنگام ورود آنها به کلاس اول سطح متوسط خواندن آنها ۷/۶ بود.

بررسی‌ها نشان داده‌اند که هرچه میزان هوش کودک پائین‌تر باشد، اگر زودتر شروع به آموزش خواندن کند، پیشرفت وی از اطفال هم‌سپراز از لحاظ بهره‌هوشی، که دیرتر شروع به آموزش خواندن می‌نمایند، بیشتر خواهد بود.

دکتر دورکین^۹ متخصص تعلیم و تربیت و روانشناسی در نتیجه پنج سال بررسی‌های خود روی کودکانی که قبل از ورود به دبستان خواندن را آموخته‌اند، نظر می‌دهد که هیچیک از آنها اشکال بعدی آموزشی

آیا می‌توانید قبل از دبستان ... ■ ۱۹۳

نداشته‌اند. اکثریت اطفال هوشمندی که خواندن قبل از دبستان را گرفته‌اند با مقایسه با اطفالی که دارای همان میزان هوش بوده‌اند، موفقیت‌های بیشتری در سالهای بعدی تحصیلی نسبت به آنهایی که در شش سالگی خواندن را آموزش دیده‌اند، کسب کرده‌اند.

در بررسی‌هایی که به عمل آمده هیچ مسئله‌ای بین سالهای ۱۹۶۰-۱۹۶۶ برای کودکانی که خواندن را قبل از ورود به دبستان آموخته‌اند و تعداد آنها به ۴۰۰۰ نفر می‌رسد در دوره‌ی تحصیلات ابتدائی پیش نیامده است.

آموزش‌های سازمان یافته در کودکانها نیز برای کودکان چهار و پنج ساله، هیچ نوع اشکال اجتماعی یا روانی، در طول مدت بررسی‌هایی که صورت گرفته، پیش نیاورده است. حتی مشکلی هم که پس از ورود به دبستان برای آنهایی که از شش سالگی آموختن را در دبستان شروع نموده‌اند پیش آمده، برای کودکان آموزش دیده قبلی به وقوع نپیوسته است. حتی آن آموزشها، مزایای زیادی هم برای آنان داشته‌است، مخصوصاً اگر به آنها فرصت پیشروی بیشتری داده شود.

به کودکان چهار و پنج ساله‌ای که طی برنامه‌ی ویژه‌ای سریعتر آموزش خواندن در کودکان دبستان داده شود از سایر کودکان که روش سنتی و معمولی را دنبال می‌کنند، پیشرفت بیشتری خواهند داشت. این کودکان دارای دایره‌ی لغات وسیعتر و درک بیشتری از مفاهیم کلمات خواهند بود. همچنین در مفاهیم ریاضی، زبان، بررسی‌های اجتماعی و تا حدودی در علوم، از سایرین برجسته‌تر می‌باشند.

آموزش خواندن ممکنست در تعداد زیادی از کودکان دبستان‌های شهرهای بزرگ صورت گیرد. شاگردان نیز به نسبت توانایی‌های مختلفی که دارند از آن بهره می‌برند. اطفالی که قبل از شروع دبستان آموزش

خواندن را فرا می گیرند، حداقل اگر برنامه دبستان منطبق با وضع آنها باشد، تا کلاس پنجم تحت تاثیر نتایج آموزش اولیه کودکستان قرار خواهند داشت و پیشرفت آنها از سایرین چشم گیرتر خواهد بود. به هر حال اگر دبستانهای معمولی شانسی برای پیشرفت اطفال بالا ایجاد نکنند، نتایج آموزش قبلی بیش از کلاسهای اول و دوم دوام نکرده و از بین می رود.

بعضی از مخالفین طرح آموزش قبل از دبستان عقیده دارند که آموزش خواندن در سالهای اول زندگی به دید چشم اطفال آسیب می رساند، ولی محققین پس از بررسی این نظر را رد می کنند و اضافه می کنند که اطفالی که قادرند اشیاء بسیار کوچک را در زمین جستجو کنند، به خوبی قادر خواهند بود حروف کتاب را بدون آنکه آسیبی به چشم آنها وارد شود بخوانند. حتی اگر شروع آموزش خواندن با حروف بزرگ انجام شود، درک بینایی آنها نیز افزایش خواهد یافت.

یکی از پزشکان متخصص چشم پزشکی به نام دکتر جولس شاو^{۱۰} از اهالی «بوستن» نظر می دهد که چشمان کودکان از دوازده ماهگی آمادگی خواندن را دارد. و اگر اطفال یکساله طبیعی باشند می توانند اشیاء را در کانون چشم خود متمرکز نمایند، یا به زبانی دیگر فوکوس (Focus) کنند. اطفال اگر از سلامتی و هوش کافی برخوردار باشند، در سالهای اولیه قادر به خواندن می باشند.

عده ای انتقاد می کنند که اطفال در این سنین معانی کلمات را خوب نمی فهمند و صداهای کلمات را به خوبی از یکدیگر تمیز نمی دهند. اگر این نظر صحیح باشد باید در دو سالگی قادر به صحبت کردن هم نباشند و معانی مکالمات را درک نکنند، در صورتیکه چنین نیست.

آیا می‌توانید قبل از دبستان ... ■ ۱۹۵

البته میزان هوش در آموختن خواندن تاثیر دارد. اطفال سه ساله ای که بهره‌هوشی آنها بالای صد است به خوبی خواندن را فرا می‌گیرند. اطفال محروم از آموزش فرهنگی یا خانواده‌های محروم از آموزش ممکن است، در یادگیری خواندن دچار اشکال شوند.

دکتر فاولر^{۱۱} از دانشگاه شیکاگو که مامور بررسی وضع یکی از مهد کودک‌های آن شهر گردید که در آن مرکز آموزشی کلمات را با تکیه روی صدای حروف تعین می‌دادند اظهار نظر کرده که بعضی از کودکان سه ساله که دارای بهره‌هوشی بالاتری بودند، از اطفال چهار ساله پیشرفت بهتری در خواندن داشتند.

محققین سنین مختلفی را برای آموزش خواندن پیشنهاد نموده‌اند که بین چهار سال و نیم تا سه سال می‌باشد. حتی بعضی معتقدند که در دو سالگی هم می‌توان این آموزش را شروع نمود.

دکتر دورکین یک راه ساده و عملی پیشنهاد می‌کند و می‌گوید: اگر به کودکان شانس آموختن را در موقعیتهای مناسب بدهید، آنگاه خود بهتر پی می‌برید که آیا آنان آماده‌ی فراگیری می‌باشند یا آنکه آموزش آنان بایستی به بعد موکول شود.

گرچه تحقیقات نشان داده که آموزش خواندن بوسیله‌ی صدای حروف نتیجه‌ی بهتری از حروف تصویری یا ترکیب این دو متد دارد. اما چون این بررسی در مورد کودکان کلاس یکم انجام شده، بهتر است این بررسی در مورد اطفال کوچکتر نیز انجام شود.

اگر اکنون شما فرزند کوچکی دارید چه باید بکنید؟

شما بایستی طبق راهنمایی‌هایی که قبلاً گردیده است شروع به آموزش وی نمایید. معلمش باشید کودک شما هیچ چیز از دست نخواهد

داد و برعکس دانستی‌های زیادی کسب خواهد نمود. هرچه که به‌وی بیاموزید کمکی است که به او می‌کنید او حتی اگر موفق نشود خواندن را روان یاد بگیرد و حتی اگر این دانسته‌ها به چند کلمه محدود شود باز هم برای او مفید است. متدی هم که بکار می‌برید مهم نیست. اگر در کلاس اول، آموزگار روش دیگری برای آموزش انتخاب کرده باشد، حواس کودک شما پرت نخواهد شد.

سعی نکنید به فرزند خود آموزش دهید، مگر آنکه مطمئن باشید هر دو از اینکار لذت می‌برید. هر روز به‌وی فشار نیاورید چیزی بیاموزد. مانع از بازیها و سرگرمیهای دیگر او نشوید. اگر به نوعی بازی، سرگرم است و معذوب آن می‌باشد او را از آن بازی به سر درس نیاورید. اگر مطلبی را بیاموخت او را تنبیه نکنید. آموزش را به وقت دیگری موکول نمانید که کودک با علاقه برای فراگیری آماده باشد. روشی را که آموزش می‌دهید، خود باید از آن اطلاع داشته باشید. برای آموزش از حروف بزرگ استفاده کنید.

ممکن است فرزند شما (اگر برادر و یا خواهر بزرگترش به مدرسه می‌روند) میل داشته باشد، جلسه‌ی آموزشی خود وی نیز رسمی باشد. اگر غیر از اینست، هیچ وقت سعی نکنید جلسه آموزش رسمی باشد. فقط او را هنگامیکه برای او می‌خوانید در آغوش بکشید و سپس صدای دیگر و کلمه‌ی جدید به او ارائه دهید. آنچه را که قبلاً او آموخته است مرور کنید. از آنچه که به خاطر دارد، خود را خوشحال نشان دهید. آنچه که فراموش کرده است، صحیح آنرا بگویند. قبل از آنکه او برود تا به بازی دیگری مشغول شود، او را مورد نوازش قرار دهید. شما احتمالاً در هر جلسه بیش از ده دقیقه وقت صرف نخواهید کرد. پس از آنکه فرزند شما چند صدا و چند کلمه را آموخت شما احساس می‌کنید بازی خواندن